

فیش منبر روشمند

فاطمیه ۹۸

سلام الله علیها

خانواده فاطمی

۵ جلد

دریافت از کانال
فیش منبر در پیامرسان ایستا



سوره الفاتحه



منبر فاطمیه (جلسه چهارم)



کانال فیش منبر و مرثیه درایتا

<http://www.eitaa.com/fishemenbar>

<http://www.talabeyar.ir> = عرضه در سایت طلبه یار

موضوع: فیش منبر فاطمیه

عنوان: خانواده فاطمی

صاحب امتیاز: گروه تبلیغی پژوهشی مهاجر

نام نویسندگان: گروه کانال فیش منبر و مرثیه

طراحی صفحه: گروه گرافیک مهاجر

نوبت نشر: اول

تیراژ: ♦♦♦♦

سال نشر: ۱۳۹۸

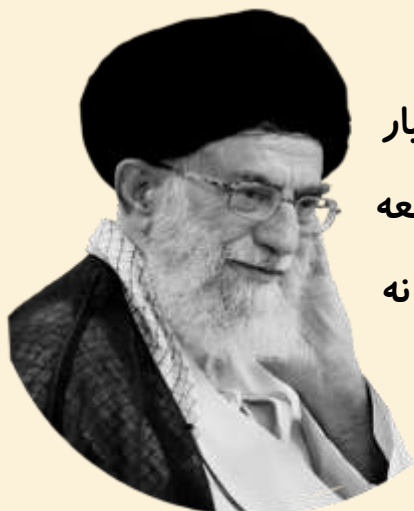
تعداد صفحه: ۳۸ صفحه جلسه چهارم فیش منبر خانواده فاطمی

قیمت:

(خواننده موظف است یک مبلغ دلخواه به فقیر دلخواه کمک کند.)

فصل: زمستان

اهمیت بحث خانواده



مسئله‌ی خانواده، مسئله‌ی بسیار مهمی است؛ پایه‌ی اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است. نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دیگرها سرایت می

کند؛ یا اگر نا سالم شد، عدم سلامت به دیگرها سرایت میکند؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلولها چیز دیگری نیست. هر جهازی، مجموعه‌ی سلولهاست. اگر ما توانستیم سلولها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم. مسئله اینقدر اهمیت دارد.

موضوع کلی : خانواده فاطمی

نقشه ی کلی این سخنرانی در ۵ جلسه

جلسه اول :

ضرورت و اهمیت کانون خانواده با توجه به آیات و روایات

چرایی مهم بودن خانه و خانواده و بیان پنج دلیل :

۱- خانه و خانواده محل تسکین

۲- خانه و خانواده محل ذکر و تلاوت آیات الهی

۳- خانه و خانواده محل رابطه ی قدسی

۴- لزوم و اهمیت حفظ حریم خانه

۵- خانه و خانواده محل تربیت فرزند

چهارگونه خانواده در قرآن

تشبیه زن و شوهر به لباس یکدیگر در قرآن (بیان ۱۶ وجه تشبیه)



جلسه دوم :

چرا خانواده ی ما مثل خانواده ی فاطمی نیست ؟ یا با آن فاصله دارد؟

۱- خواسته های مادی فراوان و نبود قناعت در زندگی

۲- نبود ایثار در همسر داری

۳- عدم تقسیم کار در زندگی

۴- نبودن نشاط در زندگی

جلسه سوم :

چرا خانواده ی ما مثل خانواده ی فاطمی نیست ؟ یا با آن فاصله دارد؟

۵- چون زن و شوهر و در تبعیت آنها فرزندان خود محورند تا خدا

محور

۶- چون علم و آگاهی نسبت به حقوق همدیگه ندارند (از همدیگه

طلبکارند)

جلسه چهارم :

آثار و پیامدهای خانواده فاطمی چیست؟ (یعنی اگر خانواده ما فاطمی شد چه چیزهای نصیب ما میشه و اگر خانواده ما الهی نشد چه از دست می دهیم؟) بشارتها و انذارها

۱- خانواده سالم = فرزندان صالح (تربیت فرزند صالح)

۲- عاقبت بخیری زن و شوهر و اهل خانه

۳- آرامش در زندگی

۴- کمتر شدن آسیب های اجتماعی

جلسه پنجم :

راهکارها و اصول رسیدن به خانواده فاطمی چیست؟؟

بررسی بیست اصل در زندگی فاطمی و علوی

۱- اصل مشارکت در امور زندگی

۲- اصل ارزشی بودن و معنویت در ازدواج

۳- اصل تربیت در خانه و خانواده

۴- اصل میهمان دوستی و ضیافت در خانه

۵- اصل ایثار و انفاق خانوادگی

۶- اصل استعانت از معنویت در حل مشکلات

۷- اصل ایجاد کار و عدم بیکاری

۸- اصل تقسیم کار خانه

۹- اصل احترام متقابل اعضاء به یکدیگر

۱۰- اصل مشورت بر زندگی

۱۱- اصل فرمان پذیری زن از شوهر

۱۲- اصل آرایش و زینت برای همسر

۱۳- اصل عبادت در خانه

۱۴- اصل جهادی بودن در خانواده

۱۵- اصل ارتباط خانه و خانواده با مسجد

۱۶- اصل اهمیت علم آموزی در خانواده

۱۷- اصل صبر در همه اعضاء خانواده

۱۸- اصل شجاعت و دلیری همه اعضاء

۱۹- اصل عشق و عاطفه و مهربانی همه اعضاء به یکدیگر

۲۰- اصل نظم و انضباط حضرت فاطمه و خاندان او

۱۱ جلسه چهارم : آثار و پیامدهای خانواده فاطمی چیست؟

۱۱ خطبه ابتدای منبر:

۱۲ خانه فاطمه (سلام الله علیها)

۱۳ اهمیت خانه داری

۱۵ مسئولیت در خانه

۱۶ سکون خانه.

۱۷ گرمی و روشنایی کانون خانواده.

۱۹ تربیت فرزندان صالح

۲۲ تربیت فاطمی

چه کنیم تربیت فاطمی در خانواده ی ما حاکم بشه اصلا تربیت فاطمی
چيست؟؟؟

۲۲ چيست؟؟؟

۲۳ محورهای تربیت فاطمی:

۱ - تنظیم محبت..... ۲۴

۲ - تنظیم شخصیت..... ۲۶

خانواده
فاطمی

کانال
فیش منبر
در ایستا

۳- تنظیم ظاهر و باطن..... ۲۷

۴- تنظیم ارتباطات..... ۲۸

۵- تنظیم سرمایه..... ۲۹

راهکارهای تربیت فاطمی در خانه و خانواده:..... ۲۹

۱- پدر و مادر بهترین و مهمترین الگوی برای فرزندان..... ۳۰

۲- آموزش و پرورش در خانه توسط والدین..... ۳۲

۳- شخصیت دادن و احترام به فرزندان..... ۳۳

۴- تشویق به تعلم..... ۳۴

۵- رعایت عدالت بین فرزندان..... ۳۵

پی نوشت ها:..... ۳۷

جلسه چهارم : آثار و پیامدهای خانواده فاطمی چیست؟

خطبه ابتدای منبر:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بَارِءِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، بَاعَثِ الْأَنْبِيَاءَ وَالْمُرْسَلِينَ
ثُمَّ الصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ
(ص) وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ الْهُدَاةِ
الْمَهْدِيِّينَ وَاللَّعْنُ الدَائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ
الْيَوْمِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»

مکتب فاطمه (سلام الله عليها) مکتبی اعجاز آمیز است. مکتبی است که تمام آثار درخشان پدید آمده از این مکتب، حیرت آدمی را بر می انگیزاند. هر بُعد و جنبه ای از حیات فاطمه (سلام الله عليها) که مورد مطالعه قرار می گیرد، نکته آموزنده و هدایت کننده و شگفت آوری دارد. برکات آن بر همه افراد نازل است و بر امتی که خواستار رهایی است نازل تر.

چه بسیارند درس هایی که از زمینه های مختلف زندگی فاطمه (سلام الله علیها) حاصل می شود و مسلمانان با استفاده از آنها، می توانند راه حیات را برای خود هموار سازند. از مسایل درس آموز حیات فاطمه (سلام الله علیها)، مسأله همسررداری و خانه داری اوست. بنای زندگی ویژه ای که اساس آن مبتنی بر اهداف و مقاصد انسانی و الهی، انس و صفا، تکمیل و تکامل، خلوص و وحدت بوده است و ثمره آن رشد طرفین، تولید نسل و گزینش بر اساس کفویت ایمانی و اخلاقی و برتری یکی بر دیگری در ردیف افسانه هاست .

خانه فاطمه (سلام الله علیها)

نخست از خانه فاطمه (سلام الله علیها) حرف بزنیم، جایی که او و علی (علیه السلام) در آن زندگی کرده اند و گل های بوستان خود را در آن پرورش داده اند. تا مدت های زیاد، آن ها در اطاق اجاره ای زندگی را سرکرده اند که دور از خانه پیامبر بود. بعدها رسول خدا با یکی از صحابه سخن گفت و خانه اجاره ای آن ها را به محلی نزدیک تر به خود آورد و سال ها گذشت تا آن ها خود صاحب خانه ای و حجره ای کوچک شدند.

این خانه که در کنار خانه پیامبر بود و بیش از یکی دو متر با آن فاصله نداشت، خانه ای بود کوچک و محقر، فرش آن شامل حصیری بود که

تنها نیمی از اطاق را می پوشاند و نیم دیگر با شن نرم مفروش بود. درب آن یک لنگه ای و معرف فقر اهل خانه. در این خانه فاطمه (سلام الله علیها) با علی (علیه السلام) هم راز و بهتر بگوییم هم بند و هم سلول بود. از دیدی محلی برای زندگی و مسکن است، از سویی دیگر کارگاهی است برای کارهای دستی فاطمه (سلام الله علیها) که برای کمک معاش و یا در بسیاری از موارد برای خدمت به فقرا و مساکین انجام می گرفت و از جهتی مرکز آمد و شد یاران علی (علیه السلام)، دوستان فاطمه (سلام الله علیها)، زنان مسأله دار و هدایت خواهی بود .

فاطمه (سلام الله علیها) این خانه را مدرسه و دانشگاهی ساخته بود، نه تنها برای فرزندان خود، بلکه برای زنان مسلمان که سوالات مذهبی خود را از او می پرسیدند. آن را کانون مقدسی ساخته بود که اعضای خانه آن را سنگری دانسته، پناه و سکون خود را در آن جا می جستند. این کانون مطمئن ترین محل آرامش و پناه علی (علیه السلام) بود .

اهمیت خانه داری

فاطمه (سلام الله علیها) از کسانی نبود که خانه داری را کاری کوچک بشمرد و یا خانه را به شوق اداره و منصبی ترک گوید و یا آن را محل مرکزی برای بلند پروازی خود قرار دهد. او به این نکته آگاه بود که کانون خانوادگی و اداره آن کمتر از اداره یک کشور نیست و حتی پایه

کشورداری به حساب می آید. و هم می دانست و از زبان پیامبر شنیده بود که خدمت در خانه و خانه داری دارای اجر و حسنه است، حسنه ای که هیچ کاری از زن با آن برابری نمی کند .

روزی رسول خدا از اصحاب خود پرسید: زن در چه حالی به خدا نزدیک تر است؟ و اصحاب پاسخ درست آن را ندانستند. فاطمه (سلام الله علیها) این سخن را شنید و پیام فرستاد: «زن در حالی به خدا نزدیک تر است که ملازم خانه باشد و از آن بیرون نشود» .

او می دانست که خانه سنگر است، پایگاه اجتماعی اعضا است، همانند یک نهاد اجتماعی گران قدر است و کاری برای زن از نظر ارزشمندی معادل خانه داری نیست. بدین سان، هم خود را به خانه داری نهاد و اداره و مدیریت آن و نیز تربیت فرزند را در آن به وجهی نیکو پذیرا شد. او در این راه احساس خجالت و ننگی نداشت و زیر بار وظایف آن شانه خالی نمی کرد .

مرکزیت خانه اش در مسیر تربیت فرزند، مشاوره و همدلی با علی (علیه السلام) و مهرورزی به اهل خانه بود و حاصل چنین اقدامی، فاطمه (سلام الله علیها) را بیش از پیش محبوب کرد و او را راضی به این تقسیم کار پیامبر بود که کار درون خانه از آن او و کار بیرون خانه از آن علی (علیه السلام) باشد و خدای را بر این امر سپاس گزار و شاکر بود .

مسئولیت در خانه

او به فرموده رسول گرامی اسلام، رییس خانه بود. کدبانویی مجرب که گویی تمام دوره های مدیریت خانواده را گذرانده و به وظایف خود نیکو آشنا بود. مسئولیتش سنگین بود، در آن روزگار دشوار؛ آن هم در دوره فقر خاندان پیامبر او باید به امور زیر می رسید :

- سر و سامان دادن امور خانه، آن هم خانه ای که مرکز آمد و رفت است و چند کودک خردسال در آنند .

- تربیت و اداره و نظافت و سرپرستی فرزندان که آن هم کاری اندک و آسان نیست .

- پیشه وری و صنعت گری چون بافتن پیراهن برای فرزندان و یا پشم ریزی برای کمک به معاش .

- آسیاب کردن گندم یا جو با دستاس که رسول خدا فرموده: «دست فاطمه (سلام الله علیها) در این راه زخمی شده است» .

- آوردن آب از بیرون که در آن روزگار این هم مشکلی برای فاطمه (سلام الله علیها) بود و خانه ها آب نداشتند .

- هدایت و سرپرستی زنان جدیدالاسلام که از برکت فاطمه (سلام الله علیها) هدایت می شدند .

و بالاخره کارهای دیگری که هر زنی بدان واقف است و به اصطلاح خودشان از بام تا شام در خانه می دوند ولی باز هم کارشان نیمه کاره می ماند. برای تهیه مختصر غذایی آن هم وقت می گذراند ولی باز هم مطبوع طبع آن ها قرار نمی گیرد. درک سنگینی مسئولیت او میسر نیست، مگر آن گاه که آدمی خود در شرایط آن قرار گیرد .

سکون خانه

خانه فاطمه (سلام الله علیها) از آن خانه هایی است که خدا خواسته نام او در آن جا بلند گردد و مورد تسبیح و تقدیس باشد. طبیعی است که چنین خانه ای نمی تواند مرکز آشفتگی و هرج و مرج باشد. نخستین چیزی که باید در آن حضور داشته باشد سکون و آرامش است و فاطمه (سلام الله علیها) سعی داشت چنین کند. او می داند که ترقی و عظمت شوهر، کوشش و تلاش ارزنده او تا حدود زیادی مرهون زندگی آرام و ساکن او در محیط خانه است و خانه باید سنگر آرامش و محل تجدید قوا باشد تا شوهر بنشیند، درست نقشه بکشد و درست طراحی کند و درست تصمیم به اجرا و عمل بگیرد .

خانه باید در سکون و آرامش باشد تا شوهر بتواند در آن خانه احساس راحتی کرده و مشقات بیرون را از تن به در نماید .

خانه فاطمه (سلام الله علیها) برای علی (علیه السلام) چنین وضعی داشت. علی (علیه السلام) در کنار زهرا (سلام الله علیها) احساس آرامش می کرد و حتی هر گاه که از حوادث و مشکلات زندگی به ستوه می آمد به سنگر خانه پناه می برد و در آن جا کمی با فاطمه (سلام الله علیها) سخن می گفت و تجدید قوا می کرد و از نو سرگرم کار و تلاش و مبارزه می شد و این امر در سراسر زندگی علی (علیه السلام) وجود داشت، حتی پس از وفات فاطمه (سلام الله علیها) و در سر مزارش .

گرمی و روشنایی کانون خانواده

فاطمه (سلام الله علیها) در محیط خانه چون ماهی درخشان بود که نور وجودش، کانون خانه و دل علی (سلام الله علیها) را روشن می کرد. او مصداق این آیه قرآن بود که : «او روشنی بخش خانه بود، دیدارش رنج ها و غصه ها را از دل می زدود (۱)». علی (علیه السلام) خود فرمود: «وقتی به خانه می آمدم و به زهرا نگاه می کردم تمام غم و غصه ام زدوده می شد (۲)

خانواده فاطمی

فاطمه (سلام الله علیها) کانون خانواده را گرم می داشت، علی (علیه السلام) و فرزندان را دل به این خوش بود که در کنار فاطمه اند و در آن کانون اند. از دیدی، او چون شمعی بود که پروانه ها را به دور خود جمع کرده، به آن ها گرمی و نور می داد. خانه اش کانون انس و صفا بود. اعضای خانه با هم انس و آشتی و معاونتی داشتند و در کمال هم نگی و صداقت، در سایه ایمان به خدا و رسول و کتاب او زندگی می کردند. اگر علی (علیه السلام) تصمیمی می گرفت همگان همراه او بودند و اگر فاطمه (سلام الله علیها) تصمیمی اتخاذ می کرد دیگر افراد خانه با او همگام می شدند و بالاخره فاطمه (سلام الله علیها) در گرم داشتن کانون لطف و عنایت به همسر، رحمت و دلسوزی به فرزندان، مصداق حدیث پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله بود که، خَيْرُ نِسَائِكُمْ نِسَاءٌ قُرَيْشٍ اَلطَّفُھُنَّ بِاَزْوَاجِھِنَّ وَ اَرْحَمُھُنَّ بِاَوْلَادِھِنَّ (۳) و مصداق احادیث دیگر رسول چون عقیفه بودن، شوهر دوست و فرزند دوست بودن و ضمن این که او خود ملهم به الهامات الهی بود .

کانال فیش منبر در ایما

در جلسات گذشته در مورد **خانواده فاطمی** صحبت کردیم که اگر ان شاء الله موفق بشیم خانواده ما رنگ و بوی الهی بگیره و اهل بیت را اسوه ی خود قرار دهیم چه نتایج و آثاری بهمراه خواهد داشت. (۴)

تربیت فرزندان صالح

مهمترین اثر و نتیجه خانواده فاطمی **تربیت فرزندان صالح** است.

یه وقتی رسول اکرم صلی الله علیه وآله به بعضی از کودکان نظر کرده و فرمودند: **وَيْلٌ لِّأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ** وای بر فرزندان آخر الزمان از روش پدرانشان! **فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ** سؤال شد: یا رسول الله! از پدران مشرک آن ها؟ حضرت فرمود: نه، از پدران مسلمانشان که چیزی از فرائض دینی را به آن ها یاد نمی دهند و اگر فرزندان، هم پی فراگیری بروند، آن ها را منع می کنند و تنها از این خشنودند که آنها درآمد مالی داشته باشند هر چند ناچیز باشد. سپس فرمود: **فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَ هُمْ مِنِّي بَرَاءٌ**. من از این پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند).!۵)

امروز مسئله تربیت خیلی مهمه بعضی از خانواده ها اگر کلاس موسیقی فرزندان قضا بشه مصیبت می گیرند ولی نماز فرزندان قضا می شود و عین خیالشون نیست.

دوست داشتن فرزندان فقط به خرید کفش و لباس و مایحتاج مادی برای آنها نیست و نمی توان خرید لوازم مادی برای فرزندان و دادن

پول تو جیبی به آنها را محبت نامید بلکه محبت به فرزندان در دین باور کردن آنها است.

حضرت زهرا سلام الله علیها چون فرزندان خود را دوست داشتند آنها را عصر شب قدر خوابانده و در شب هنگام آنها را بیدار کرده و می فرمودند که امشب مهم ترین شب زندگی هر انسانی است و من دوست دارم فرزندانم از برکات این شب بهره مند شوند چون هر کس از این شب محروم شود خیلی محروم شده است و آنگاه آب به صورت فرزندان زده و آنها را نوازش می کردند تا شب قدر را بیدار بمانند.

حضرت زهرا سلام الله علیها شب های جمعه به نماز می ایستادند و امام حسن(ع) مخصوصا نماز ایشان تماشا می کردند و گزارش نمازهای حضرت زهرا سلام الله علیها را امام حسن مجتبی(ع) برای دیگران بیان فرموده اند.

امام حسن(ع) در بیان فضیلت های نماز حضرت زهرا سلام الله علیها می فرمایند که مادرم شب های جمعه را تا عمود صبح به نماز می ایستادند و نماز می خواندند.

متأسفانه بعضی خانواده ها نسبت به تربیت فرزندان خود در زمینه نماز خواندن، شب زنده داری، احیای شب های قدر و موضوعات دینی بی

تفاوت بوده و فرزندانشان را به حال خود رها کرده اند، همین بی تفاوتی والدین موجب شده که فرزندان و بچه ها هر چه از نظر سنی بالاتر می روند فاصله آنها با خدا بیشتر می شود.

رسیدگی به دنیای مادی بچه ها مهربانی نیست و رسول خدا(ص) در این زمینه می فرمایند که «وای بر بچه های آخر الزمان از دست پدر و مادرشان؛ زیرا این پدر و مادرها هستند که رعایت پوشش و حجاب اسلامی و رعایت روابط خود را در مقابل فرزندان نکرده و انواع گناهان از جمله غیبت و ناسزاگویی را در مقابل آنها مرتکب شده و آنها را دعوت به گناه می کنند.»

در چنین فضایی نمی توان انتظار داشت که فرزندان دین مدار و دین باور تربیت شوند، در خانه حضرت زهرا سلام الله علیها چهار گل تربیت شدند و شجاعت حسینی، صبر حسنی، استقامت زینبی و فصاحت ام کلثومی و تمام این فضایل در یک خانه محقر ایجاد شد.

در خانه حضرت زهرا سلام الله علیها به ظاهر شاید رفاه مادی نبود اما آرامش بود و در پرتو این آرامش چهار شخصیت وارسته و انسان ساز پرورش یافته و تربیت شدند.

خانواده فاطمی

تربیت فاطمی یعنی معنویت و ایجاد فضای معنوی در خانه و در میان فرزندان و این ها شاخصه های تربیت فاطمی هستند و پدر و مادری که به دنبال گل های فاطمی هستند باید چنین منش و سبک تربیتی را در زندگی خود دنبال کنند).

تربیت فاطمی

چه کنیم تربیت فاطمی در خانواده ی ما حاکم بشه اصلا
تربیت فاطمی چیست؟؟؟

با توجه به اهمیت بالای مسأله خانواده و تربیت فرزند، به نظر شما در سیره حضرت فاطمه(ع) چه شاخصه ها و معیارهایی برای تربیت صحیح فرزندان وجود دارد که می توان از آنها بهره مند شد؟

کانال فیش منبر در ایما

در مکتب اسلام و اهل بیت (ع) اصلی ترین مسأله تربیت، مهم ترین کانون تربیت خانواده و دقیق ترین محورهای تربیت پنج مورد است. خانواده حضرت فاطمه زهرا(ع) نمونه برتر یک خانواده آسمانی است و ایشان بی تردید مربی و معلم بشریت هستند. خداوند در آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»؛ این خانواده، پاک ترین، عالی ترین و باکمال ترین خانواده است، در این خانواده محور فاطمه زهرا است، لذا

خداوند متعال در حدیث شریف کساء همه را با محوریت حضرت فاطمه معرفی می‌کند: «هُم فَاطِمَةٌ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا» معلمی که آقا رسول‌الله(ص) درباره ایشان می‌فرماید: «فداها أبوها»، مربی‌ای که شوهرش امیرالمؤمنین(ع) مدح‌خوان او می‌شود، مربی‌ای که فرزندان او «سیدانِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» هستند. فکر می‌کنید حضرت فاطمه چه کار کردند که این‌طور درباره ایشان سخن‌ها گفته می‌شود؟ ایشان در خانه‌ای کوچک و با کمترین امکانات، بیشترین بهره‌برداری در خانواده را به‌نمایش گذاشتند و این یعنی تربیت صحیح به امکانات نیست، بلکه تربیت نیازمند روش صحیح است.

روش تربیتی حضرت فاطمه زهرا(س) در پنج قالب معرفی می‌شود که باید درباره آنها تأمل کرد که آیا به‌راستی ما نیز می‌توانیم همچون آن بانوی بزرگوار در تربیت فرزند عمل کنیم یا خیر که بنده معتقدم قطعاً می‌توانیم و اگر نمی‌توانستیم خدا آنان را الگوی ما قرار نمی‌داد. در ابتدا باید بگوییم که معنای در نظر گرفته‌شده برای واژه تربیت در این بحث، تنظیم است.

محورهای تربیت فاطمی:

اولین روش تربیتی حضرت زهرا "تنظیم محبت" است. وقتی انسان به خوبی تربیت می‌شود که در محبت افراط و تفریط صورت نگیرد. امروز برخی خانواده‌های ما یا زیادی محبت می‌کنند یا کمبود محبت دارند که باعث ضعف‌هایی در فرزندان می‌شود، در حقیقت بیشترین حجم مشکلات جامعه یا به دلیل زیادی محبت است یا به دلیل کمبود محبت.

مبدأ محبت باید خدایی باشد، امام علی (ع) می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ مَنْ كَانَتْ حُبُّهُ لِلَّهِ وَبُغْضُهُ لِلَّهِ وَأَخْذُهُ لِلَّهِ وَتَرْكُهُ لِلَّهِ؛ مؤمن، کسی است که دوست داشتنش برای خدا، نفرت داشتنش برای خدا، گرفتنش برای خدا و رها کردنش برای خدا باشد» (۷). امام صادق (ع) نیز فرمود: «هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ؛ آیا ایمان چیزی جز حب و بغض است». پس ما باید حُبَّمان را تنظیم کنیم.

عدم تنظیم محبت، ما را از جهاد در راه خدا بازمی‌دارد

مسیر تربیت‌مان هم باید الهی باشد، گاهی اوقات به ما گفته می‌شود "محبت کن"، بگوییم چشم و گاهی اوقات به ما گفته می‌شود "محبت را کم کن"، باز هم بگوییم چشم و حرف‌شنوی داشته باشیم. خداوند

در آیه ۲۴ سوره توبه می فرماید: در میدان جهاد محبت‌هایتان را تنظیم کنید «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ». آنهایی در جهاد با امام علی (ع)، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) و جهاد دفاع مقدس شرکت نکردند و امروز هم در جهادها شرکت نمی‌کنند که محبت زیادی به دنیا و تعلقات آن دارند.

علاوه بر اینها، مقصد محبت هم باید خدایی باشد، اگر این‌طور باشد می‌فهمیم که باید اول خدا را، بعد اولیای خدا را و بعد خودمان را و بعد دیگران را دوست داشته باشیم. وقتی محبت تنظیم شود آن موقع در صورت نیاز فرزند و همسرش را هم برای اسلام فدا می‌کند، (کربلا یعنی گذشت از هرچه هست) تا محبت‌مان را تنظیم نکنیم کربلایی نمی‌شویم. خانواده حضرت فاطمه (س) همگی کربلایی بودند و این از ماجرای مباحله برداشت می‌شود، در جریان مباحله همه آمدند جانشان را وسط گذاشتند، فاطمه زهرا (س) کربلایی بود که برای ولی‌ امر خود به پشت در آمد، حضرت زینب (س) و... نیز همین‌طور، این یعنی محبت را می‌شود تنظیم کرد. امروز اگر ما از سر کار خود نمی‌زنیم تا خودمان را به نماز اول وقت برسانیم، یعنی محبت را تنظیم نکردیم، حتی اگر

می‌ترسیم امر به معروف و نهی از منکر کنیم به خاطر اینکه ممکن است اقوام از ما ناراحت شوند، به خاطر عدم تنظیم محبت است.

۲- تنظیم شخصیت

تنظیم شخصیت؛ دومین روش تربیتی فاطمی

دومین روش تربیتی حضرت فاطمه تنظیم شخصیت است، در قرآن یک شخصیت متصل داریم و یک شخصیت منفصل، حضرت زهرا به فرزندان‌شان آموختند که "اگر می‌خواهید شخصیت‌تان رشد کند سه چیز را در خود تقویت کنید؛ اول معرفت، دوم تقوا و سوم مجاهدت". امروز عده‌ای هستند که با شخصیت متصل رشد نمی‌کنند بلکه با شخصیت منفصل رشد می‌کنند، یعنی ارزششان به قیمت کت و شلوارشان است، اگر کت و شلوار چندمیلیونی استفاده کند، گمان می‌کند شخصیت ارزشمندی دارد و اگر لباس نه‌چندان قیمتی و نسبتاً ساده استفاده کند، گمان می‌کند فاقد ارزش است. امروز مدل ماشین و موبایل، متراژ خانه و پست و مقام برای عده‌ای معیار ارزش و شخصیت شده است، در حالی که در فرهنگ اهل بیت (ع) هیچ یک از اینها عامل ارزشمند بودن شخصیتی آدمی نیست.

خانواده فاطمی

حضرت فاطمه زهرا خواستند شخصیت ما تنظیم شود، یعنی اگر تمام دنیا را به ما دادند باد نکنیم و اگر تمام دنیا را از ما گرفتند غم‌باد نکنیم، خداوند در آیه ۲۳ سوره حدید می‌فرماید: «لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ». این را به‌خوبی می‌توان در سیره شهدا دید، بسیاری از شهدای عزیز ما مثل شهید صیاد شیرازی، شهید احمد کاظمی و... سردار شدند اما خود را گم نکردند بلکه متواضع‌تر هم شدند، اما امروز برخی مسئولیت بی‌ارزش‌ترین سمت‌ها را عهده‌دار می‌شوند و خودشان را می‌گیرند. امروز اشکال برخی مسئولان کشور در رده‌های مختلف این است که در مقام و منصب‌ها خودشان را گم کرده‌اند، اگر این افراد خودشان را گم نمی‌کردند امروز این‌قدر مشکل در جامعه وجود نداشت. حضرت فاطمه (س) به ما نشان دادند که روی سینه رسول الله (ص) یا روی زمین باشی، ارزش فرد نزد خدا به اعمال انسان بستگی دارد «یوم علی صدر المصطفی و یوم علی وجه الثری». امام حسین (ع) هر دو جا را تجربه کرده اما در هر دو جا فرموده «الهی رِضاً بِرِضَاکَ»، این می‌شود تنظیم شخصیت.

۳- تنظیم ظاهر و باطن

سومین ملاک تربیت فاطمی تنظیم ظاهر و باطن است، بزرگ‌ترین مشکل جامعه ما حتی بعد از چهل سال از انقلاب اسلامی، این است ظاهر

و باطن‌ها یکی نیست و برخی مسؤلان ظاهر و باطنشان یکی نیست. حضرت فاطمه به همه ما آموختند بنده‌ای نزد خدا مقام و منزلت دارد که صادق باشد، صداقت یعنی ظاهر و باطن ما یکی باشد که اگر چنین شد بنده خوبی خواهیم بود. چهل سال است که مردم کشور دارند در انتخابات شرکت می‌کنند اما فریب برخی ظاهرهای فریبنده را می‌خورند.

۴- تنظیم ارتباطات

چهارمین ملاک تربیت فاطمی تنظیم ارتباطات است، یعنی من باید با خالق و مخلوق در ارتباطی باشم، برخی با غیر خدا مستقیم در ارتباط هستند و برخی هم از طریق خدا ارتباط برقرار می‌کنند، حضرت فاطمه به ما آموختند که ارتباط با هر کسی حتی با اولیای خدا باید از طریق خدا باشد، لذا در دعای توسل عرضه می‌داریم: «یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ». از طرف دیگر به ما گفتند که اگر به حرم‌های اهل بیت (ع) می‌روید و گمان دارید که آنان بدون خدا حوائج را برطرف کنند، این شرک است .

پنجمین محور در تربیت فاطمی، تنظیم سرمایه است، سه سؤال را باید به خوبی بدانیم: سرمایه‌ها از کیست؟ از خداست، محضر چه کسی باید پاسخ بدهیم؟ محضر خدا، چطور از سرمایه‌ها استفاده کنیم؟ آن‌طور که ولیّ خدا فرموده است. برخی گمان می‌کنند سرمایه‌ها چه مادی و معنوی و چه علمی و... برای خودشان است، در حالی که تمام سرمایه‌ها از آن خداست. حضرت فاطمه زهرا(ع) زیباترین الگوی تربیت را به ما آموختند و شهدای عزیز ما از این پنج محور به‌خوبی بهره بردند و به‌سوی آسمان‌ها پرواز کردند، عده‌ای هم در همین جمهوری اسلامی از این پنج محور خوب استفاده نکردند و در خسران قرار گرفتند(۸)

راهکارهای تربیت فاطمی در خانه و خانواده:

مادر در تربیت و پرورش فرزندان نقشی کلیدی و حساس دارند و مادران باید الگویی ارزنده و نیکو را در مسیر زندگی برای فرزندان خویش باشند تا آنها با پیروی از مادران در این راه سخت و دشوار محکم و استوار قدم بگذارند.

پس از انعقاد نطفه و شکل‌گیری جنین، حیات فرزند در رحم مادر آغاز می‌شود. این دوران علاوه بر آغاز شکل‌گیری ظاهری و جسمی کودک،

آغاز شکل گیری شخصیت روحی او نیز است. طبق آمار ۶۶ درصد کودکان که دارای امراض روحی هستند، بیماری خود را از مادران خود به ارث برده اند. (۹) بنابراین شالوده خصوصیات روحی کودک در این دوران پایه گذاری و بعد از تولد و در اثر عوامل بیرونی تربیتی تکمیل یا ویران می گردد. لذا با نگاهی نو به مقوله تربیت، این امر از اولین لحظات تشکیل نطفه شروع می گردد نه از بدو تولد نوزاد.

بعد از تولد نیز مادر با در آغوش گرفتن فرزند و تغذیه او با شیر خود به انتقال آرامش و روحیات خود به کودکش می پردازد. در همین رابطه امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: "فرزندان خود را از شیر زنان سرکش و زشت کار حفظ کنید... که شیر آثار خود منتقل می کند." (۱۰) بعد از دوران شیرخوارگی نیز کودک در مراحل مختلف رشد بیشترین ارتباط و دلبستگی را با مادر خویش دارد و عمیق ترین نکات تربیتی را از او می آموزد و یاد می گیرد.

۱- پدر و مادر بهترین و مهمترین الگوی برای فرزندان

حضرت صدیقه ی طاهره، فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) نمونه کامل و تمام این الگو است که یکی از جلوه های وجودی ایشان، تجلی مقام

مادری به معنای حقیقی آن بود. برخی شواهد تاریخی که از زندگی کوتاه اما با برکت ایشان به ما رسیده گویای این مطلب است.

در آن شب، به کلمات مادر که در گوشه ای از اتاق، رو به طرف قبله کرده بود، گوش می داد. رکوع و سجود و قیام و قعود مادر را در آن شب، که شب جمعه بود، تحت نظر داشت. با این که هنوز کودک بود، اما مراقب بود ببیند مادرش که این همه درباره زنان و مردان مسلمان دعای خیر می کند و یک به یک را نام می برد و از خدای بزرگ برای هر کدام از آن ها سعادت و رحمت و خیر و برکت می خواهد، برای شخص خود از خداوند چه چیزی مسألت می کند؟

امام حسن (علیه السلام) آن شب را تا صبح نخوابیده و مراقب کار مادرش حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بود. او منتظر بود که ببیند مادر درباره خود چگونه دعا می کند و از خداوند برای خویش چه خیر و سعادت می خواهد؟

شب، صبح شد و به عبادت و دعا درباره دیگران گذشت و امام حسن (علیه السلام) حتی یک کلمه هم نشنید که مادر برای خودش دعا کند. صبح به مادر گفت: مادر جان! چرا من هر چه گوش کردم، شما درباره دیگران دعای خیر کردی و درباره خودت یک کلمه هم دعا نکردی؟

مادر مهربان جواب داد: "پسرک عزیزم! اول همسایه، بعد خانه خود(۱۱)

داستانی که ذکر کردیم نمونه ای از چنین تربیت ارزنده و والایی است که یک مادر می تواند با رفتار و کردار خود برای فرزندش ایجاد کند. هم عبادت و شب زنده داری را به فرزند بیاموزد و هم از خودگذشتگی و اولویت دادن دیگران نسبت خود در رفتارهای اجتماعی.

۲- آموزش و پرورش در خانه توسط والدین

بررسی لایلی آن حضرت که به ظاهر یک لایلی ساده است تا طفلی به خواب رود ولی در واقع آموزنده معارفی عمیق برای کودکی است که قرار است انسانی کامل و امام بشریت باشد.

ایشان وقتی قصد خواباندن فرزند خویش امام حسن (علیه السلام) را داشت در گوش او چنین نجوای لطیف مادرانه می کرد و این ابیات را می خواند: "حسن جان! مانند پدرت علی باش و ریسمان را از گردن حق بردار و خدای صاحب نعمت و احسان کننده را پرستش کن و با افراد بدخواه و کینه توز دوستی مکن) ۱۲)

حضرت زهرا (سلام الله علیها) در این لایلی اصل توحید و خداپرستی را به فرزند خویش یادآوری می کند و خداوند را صاحب همه چیز و

مهربانترین معرفی می نماید. ایشان در این زمینه یک الگو به فرزند می شناساند و می فرماید همانند پدرت علی حق جو و حق پرست باش و در مشکلات، در مسیر حق و شناساندن آن به دیگران قدم بردارد. در آخر نحوه انتخاب دوست و دوست یابی را به فرزند متذکر می شود و افرادی که نباید به سمت آنها رفت را معرفی می نماید.

۳- شخصیت دادن و احترام به فرزندان

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) فرزندان خویش را با احترام و ادب مخاطب قرار می داد و در این زمینه به آنان شخصیت و بزرگی می بخشید و نحوه برخورد با دیگران را آموزش می فرمود. به طور نمونه در ماجرای کسای یمانی و پنج تن آل عبا (علیهم السلام) وقتی امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) که آن زمان خردسال بودند بر مادر وارد می شوند و سلام می کنند؛ ایشان با احترام جواب سلام هر یک را می دهد و می فرماید: "سلام بر تو باد ای پسرم و ای روشنی دیده و میوه دلم" (۱۳)

توجه بفرمایید احترام مادر به فرزند و احترام فرزند به مادر

اِذَا بَوَّلَدِي الْحَسَنَ قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّهُ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ
يَا قُرَّةَ عَيْنِي وَثَمَرَةَ فُؤَادِي

دیدم فرزندم حسن وارد شد و گفت سلام بر تو ای مادر گفتم: بر تو باد سلام ای نور دیده ام و میوه دلم

إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوَّلِدِي الْحُسَيْنِ قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّهُ

ساعتی نگذشت که فرزندم حسین وارد شد و گفتم: سلام بر تو ای مادر

فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَادِي وَيَا قُرَّةَ عَيْنِي وَتَمَرَةَ فُوْادِي

گفتم: بر تو باد سلام ای فرزند من و ای نور دیده ام و میوه دلم (۱۴)

دو نکته از این ماجرا برداشت می شود: ۱- احترام متقابل ۲- عدم تبعیض در گفتار توسط مادر بین فرزندان

۴- تشویق به تعلم

حضرت زهرا (سلام الله علیها) از همان آغاز کودکی فرزندان را برای کسب معارف، و تشویق در فراگیری، آماده می کرد. به عنوان مثال به فرزندش حسن (علیه السلام) می فرمود: "به مسجد برو، آنچه را از پیامبر شنیدی فراگیر و نزد من بیا و برای من بازگو کن." امام حسن (علیه السلام) همین کار را می کرد و بعد به خانه می آمد و با سخنرانی شیرین خود، بیانات پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) را بیان می نمود. از این رو هر وقت علی (علیه السلام) وارد خانه می شد، همسر خویش

را حافظ آیاتی از قرآن که تازه نازل شده بود، می یافت، می پرسید:
"این آیات و علوم تازه را از کجا دریافت کردی؟" می گفت: "از پسر
حسن) ۱۵)

۵- رعایت عدالت بین فرزندان

امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) هر دو خطی نوشتند و نزد
مادرشان فاطمه (سلام الله علیها) آوردند تا او قضاوت کند که کدام بهتر
است، فاطمه (سلام الله علیها) که نخواست یکی از آنها را بر دیگری
ترجیح دهد، فرمود: "نزد پدرتان بروید تا او داوری کند." آنها نزد
پدرشان علی (علیه السلام) رفتند.

آن حضرت نیز نخواست که یکی از آنها رنجیده خاطر شود، به آنها
فرمود: "نزد جدتان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بروید تا او
قضاوت کند." آنها نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفتند. ایشان
هم فرمود: "من بین شما داوری نمی کنم تا برادرم جبرئیل بیاید و
داوری کند." جبرئیل آمد و گفت: "من داوری نمی کنم تا فرشته
اسرافیل بیاید و داوری کند." اسرافیل آمد و گفت: "من داوری نمی
کنم بلکه از درگاه خدا می خواهم که او داوری کند." خداوند فرمود:
"من بین آنها داوری نمی کنم. بلکه مادرشان فاطمه داوری کند."

خانواده فاطمی

در این وقت فاطمه (سلام الله علیها) تسلیم سخن خدا شد و فرمود: "من داوری خواهم کرد، گردنبندی داشت و به فرزندانش حسن و حسین (علیهما السلام) فرمود: "من دانه های این گردنبند را پخش بر زمین می کنم. هر کس از شما بیشتر از آن دانه ها برچید. خط او بهتر است (در آن گردنبند هفت دانه مروارید بود) فاطمه آن را برید و دانه هایش پخش بر زمین شد. سه عدد آن را حسن و سه عدد دیگر را حسین برچید. در همین لحظه خداوند به جبرئیل فرمان داد برو به زمین و آن یک عدد باقی مانده را دو نصف کن. تا هر کدام از آنها، نیمی از آن را بردارند و خاطرشان رنجیده نشود."

آری این رفتارها مشتی از خروار در رفتار و تربیت فاطمی است که نتیجه اش حسنین و زینبین (علیهم السلام) شده اند. باشد که مادران با الگوگیری از این الگوی بشری، فرزندان نیکو رفتار و نیک کردار به جامعه انسانی تحویل دهند. (۱۶) (۱۷ اش)

کانال فیش منبرورثیه درایتا

دانلود جلسه بعدی



<http://www.eitaa.com/fishemenbar>

<http://www.talabeyar.ir> = عرضه در سایت طلبه یار

پی نوشت ها:

۱ - ۱۹ / انسان

۲ - مناقب خوارزمی / ص ۲۵۶.

۳ - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۳۲۶

۴ - مولود شفیعی / ماهنامه موج عصر شماره ۱۳ و ۱۴

۵ - أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ وَيْلٌ لِّأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ. (جامع الأخبار، ص: ۱۰۶)

۶ - حجت الاسلام دکتر رفیعی

۷ - (غرر الحکم: ج ۲ ص ۳۷ ح ۱۷۴۲)

۸ - حجت الاسلام ماندگاری خبرگزاری تسنیم

۹ - روزنامه اطلاعات، شماره ۱۰۳۵۵

۱۰- وسائل الشیعه، جلد ۲۰، صفحه ۱۵

۱۱- کتاب داستان راستان تالیف استاد مطهری به نقل از بحارالانوار،
جلد ۱۰، صفحه ۲۵

۱۲- بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۲۸۶

۱۳- مفاتیح الجنان، حدیث شریف کسا

۱۴- مفاتیح الجنان، حدیث شریف کسا

۱۵- نگاهی بر زندگی حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نوشته محمد
محمدی اشتهازدی، صفحه ۶۵

۱۶- همان، صفحه ۶۴

۱۷- مسعود باقریان سایت تبیان